



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال اول / شماره سوم / بهار ۱۳۹۹



جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای

حسن نعیم آبادی^۱ / محسن پالیز پیشه^۲

(۷۴ - ۹۴)

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری گفتمان اسلام گرایی در مقابل گفتمان های سوسیالیستی و لیبرالیستی و تقابل انقلاب اسلامی با این دو و سرانجام، حذف بلوک شرق از مقابل بلوک غرب در نظام بین الملل، تفکر و ایدئولوژی اسلام بود که در برابر بلوک غرب قد علم کرد و تحقق آرزوی نظم نوین جهانی رهبران این تفکر را به تعویق انداخت. پس از گذشت سال ها درگیری این دو جبهه، موضوع تمدن نوین اسلامی که از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد، نقطه عطفی در این جنگ نامتقارن و نابرابر ایجاد کرد و از این رو، با شکل گیری گفتمان تمدن نوین اسلامی، نظریه های مختلفی در این باب از سوی اندیشمندان داخلی و خارجی ارائه گردید که راه کارهای تحقق تمدن نوین اسلامی را بررسی نموده اند. در این میان، دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی، بارها مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفت، بنابراین، در این مقاله، ابتدا شاخص های تمدن نوین اسلامی از نگاه رهبری را بیان نموده و پس از بیان مفهوم دیپلماسی عمومی، به بیان شاخصه های دیپلماسی از نگاه رهبری پرداخته و سپس، نقش آن را در تحقق تمدن نوین اسلامی از نگاه معظم له مورد واکاوی قرار می دهیم.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، تمدن نوین اسلامی و آیت الله خامنه ای.

^۱ - استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول) - naim1363@yahoo.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت مربی علوم سیاسی گرایش انقلاب اسلامی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم -

paliz.mo158@gmail.com

مقدمه

با افزایش دگرگونی در قلمرو سیاسی کشورها، توانمندی دولتها در همراه کردن ملتهای مختلف در پشتیبانی از اهداف خود رشد چشمگیری داشته است. امروزه در عرصه روابط بین الملل نظام های سیاسی از ابزارهای قدرت نرم به طرق مختلف بهره می برند. مؤثرین سیاسی در فضای بین المللی برای افزایش نفوذ خود به دنبال ایجاد یک چهره مثبت در قالب قدرت نرم از خویش هستند. استفاده صحیح از قدرت نرم دولتها را قادر می کند تا از جنگ و درگیری نظامی دوری و اذهان عمومی را در عرصه بین المللی با اهداف خود هماهنگ نمایند. هر قدر کشورها از این ابزار یعنی قدرت نرم بهره بیشتری ببرند در مناسبات سیاسی توان افزایش بهره وری خود را تقویت نموده اند. کشور ایران نیز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد عرصه جدیدی از تحولات سیاسی شده و با تغییر محاسبات بین المللی و همچنین کاربردهای نوین و راهبردی قدرت نرم در جهت مقابله با آسیب ها و تهدیدهای پیش روی انقلاب از این ابزار مهم بهره گرفته و در سیاست خارجی از مهمترین ابزار آن یعنی دیپلماسی عمومی بهره کافی را می برد.

دیپلماسی عمومی به برنامه ریزی دولتها جهت تأثیر گذاری بر فکر و ذهن عامه مردم دیگر کشورها می پردازد، از این رو، می تواند به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم کشور ایران را در تحقق تمدن نوین اسلامی کمک نماید (جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۱: ۹۸) بی تردید، نوع نگاه انقلاب اسلامی به مقوله تمدن نوین اسلامی، با دیگر مکاتب امروز متفاوت است. بر خلاف نگاه سایرین که منبعث از واقعه گرایشی مادی و آینده پژوهی مبتنی بر آن است، در تفکر اسلامی، انگاره تمدن نوین اسلامی با یک آرمان موعود به نام مهدویت گره خورده و در حدود و ثغور آن، تفسیر می شود. تحقق عدالت، توحید، علم و حکمت، رشد عقل، رفاه و آبادانی، امنیت و آرامش، فراوانی و برکت و... از اوصاف تمدن موعود در آیات و روایات است.

با توجه به رهیافت مقام معظم رهبری در سال های اخیر در مورد تمدن نوین اسلامی و تأکید ایشان بر نقش دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد تصویر مثبت از اسلام و از بین بردن چهره منفی اسلام در اذهان عمومی بین المللی در راستای جهانی شدن گرایش به دین اسلام، این مقاله با هدف تبیین نظرات عالی مقام معظم رهبری حول محور نقش دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی

به نگارش درآمده است، بنابراین، در ادامه شاخصه های تمدن نوین اسلامی را از نظر معظم له بازخوانی نموده سپس به شناخت مبانی نظری دیپلماسی عمومی پرداخته و نظرات رهبری را در آن، بررسی نموده و پس از آن، نقش دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی را از بعد اهداف، مخاطبین، ابزارها و اکاوی می نمایم.

چیستی تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی بیانگر همه جنبه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳) تمدن نوین اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام قرار دارد، بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چهارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و مانند آن است. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲) به اعتقاد ابن نبی، برای حصول تمدن نوین اسلامی، باید مجموعه ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی دینی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است که ذیل اسلام، معنا می یابد (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۶) و این همانند "جامعه ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود." (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۹)

مقام معظم رهبری تمدن نوین اسلامی را فضایی می داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات، خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن نوین اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (خامنه ای، ۱۳۸۳: ۲۲ خرداد) در این تعریف، ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر، مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب وی به خدا می شود.

شاخصه های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

برخی از شاخصه های تمدن نوین اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای را بررسی می کنیم:

۱) **محوریت قوانین قرآن:** در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی، از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌دانند. (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۲۶ شهریور) علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و قدرت جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام (ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش‌فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۴۹)

۲) **ایمان:** اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان‌ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ: و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید.» (نحل: ۳۶) رسالت پیامبر اعظم (ص) نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ‌ها و دلسوزی‌های وی برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها، عامل اساسی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود. در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز، یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم‌له نقطه اصلی در تمدن نوین اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم.

۳) **خردورزی:** رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷) همچنین امام (ره) معتقدند انسان به طور کلی سه نشئه دارد و صاحب سه مقام و عالم است - نشئه آخرت، عالم غیب و مقام

روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام مُلک و عالم شهادت- از این رو، به اعتقاد ایشان، انسان از سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است و دستورات انبیا و اولیاء الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۱۰)

(۴) علم: رسالت پیامبر(ص) با خواندن آغاز و این باعث تفاوت اسلام با سایر ادیان شد. (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰) قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴ «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» به پیامبر(ص) امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن، مانند بقره: ۲۸۰، نحل: ۹۵، عمران: ۱۹۰، انعام: ۱۱، یونس: ۵، عنکبوت: ۱۵ و... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می‌شوند. نکات فوق، بیانگر اهمیت علم در قرآن است. در قرآن علم و ایمان در کنار هم است: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ» (روم: ۵۶) سفارش‌های مکرر پیامبر(ص) درباره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است که گاهی موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است. (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰) روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند.» (بخاری، ۱۹۸۱، ج ۱: ۲۸)؛ «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند.» (کلینی، بی تا، ج ۱: ۳۴)؛ «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند.» و «نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند.» (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۳) بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. «خوب پرسیدن نیمی از دانش است.» (حرانی، ۱۳۸۷: ۹۵) «برای طلب و فراگیری دانش تا چین بروید، پس فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است.» (مجلسی، بی تا، ج ۱: ۹۶)

(۵) اخلاق: اخلاق جمع «خُلُق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۵) قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق،

زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند. (عصر: ۱) اخلاق، یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع معدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید، در غیر این صورت، چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد. (خامنه ای، ۱۳۷۵: ۲۱ بهمن) رهبر انقلاب، شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (خامنه ای، ۱۳۹۱: ۱۴ اسفند)

۶) حکومت مردمی: در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مردم نقشی بی‌بدیل در تمدن اسلامی دارند. ایشان ضمن تبیین شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی (ره) از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، انسان دارای هویت، دارای کرامت نیز هست و حاصل این کرامت این است انسان در ایجاد یک جامعه مردم سالار نقش اساسی ایفا می‌کند. مردم با اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را نیز انتخاب می‌کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام (ره) را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، دین اسلام نسخه تمام و کمالی از مردم سالاری ارائه می‌کند برای مثال در آیه «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شورا: ۳۸) و «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۲) این امر مشهود می‌باشد. (خامنه ای، ۱۳۸۳: ۱۴ آبان)

۷) ایجاد رفاه عمومی: از دیگر شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. ایشان در بیانات خود به این موضوع مهم توجه بسیاری داشته و به مسئولان کشور و حاکمان اسلامی توصیه نموده است که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم باید بیشتر تلاش کنند. بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌هاست است، بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم - که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده -

مورد تأکید قرار گرفته است. به اعتقاد ایشان، مسلک اقتصادی اسلام خاص و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به رفاه عمومی بیاناتی فرموده و آن را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد ایشان «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی...» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲: ۱۲ مرداد؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۰ اسفند)

۸) **استقرار عدالت:** عدالت که از اصول دین است، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی امر می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵). در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) در این آیه، عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس، در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است، به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اصول امام یاد می‌کنند و اعتقاد دارند که یک حکومت در همه مراحل از قانون‌گذاری تا اجرا گرفته باید عدالت اجتماعی را سرلوحه کارهای خود قرار دهد. همچنین ایشان براین باورند که، شاخص همه مجریان قانون در کلیه برنامه‌ها باید توزیع ثروت و منابع کشور به صورت صحیح در بین تمام طبقات محروم باشد که این خود از مشکل‌ترین مسئولیت‌هاست. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۱۴ مهر)

۹) **رسانه‌های مدرن، هنر و سینما:** مسجد در صدر اسلام به عنوان مهم‌ترین رسانه جمعی و محل انتشار اخبار و عقاید محسوب می‌شد، بنابراین، در گسترش تمدن اسلامی نقش مؤثری را ایفا کرد. بعد از آنکه تمدن اسلامی با رکود مواجه شد، تمدن غربی در صنعت رسانه‌های جمعی به پیشرفت‌های

بزرگی نائل گردید. امروزه با وجود فناوری‌های پیشرفته ارتباطی که غالباً از سوی تمدن غربی گسترش می‌یابد، فاصله زمانی و مکانی بین جوامع از بین رفته است و تمدن غربی از این طریق به دنبال نهادینه کردن سبک زندگی غربی و اشاعه زشتی‌ها در میان سایر جوامع است. قرآن کریم درباره اشاعه زشتی در تمدن اسلامی این گونه هشدار داده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید.» (نور: ۱۹) از این رو، رسانه‌های مدرن و قوی برای مقابله با فرهنگ و سبک منحرف غربی و نیز برای صادر نمودن ارزش‌ها و مبانی اسلام در تمدن نوین اسلامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف بر تقویت رسانه‌های مدرن در تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کنند و در خصوص هجمه رسانه‌ای تمدن غربی هشدار می‌دهند. برای مثال اصطلاح «جنگ نرم» در نگاه معظم‌له بیانگر هجوم بی‌امان رسانه‌ای تمدن غربی برای استحاله فرهنگی کشورهای مسلمان و حتی سایر کشورها است. ایشان درباره سوءاستفاده گسترده غرب از ابزار هنر به ویژه هنرهای نمایشی و سینما می‌فرمایند: «سیاستمداران غربی با استفاده از این روش، به دنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در سایر جوامع هستند.» (خامنه ای، ۱۳۹۱: ۲۳ مهر)

همچنین درباره اهمیت صنعت فیلم‌سازی برای انتقال فرهنگ‌ها بحث می‌کنند که تمدن غربی به اهمیت آن پی برده است و اکنون در حال پیاده‌سازی نیات درونی خود برای تسلط بر سایر فرهنگ‌ها هستند و در این کار، بر اساس کار کارشناسی و با استفاده از جامعه‌شناسان، روانشناسان و مورخان، ضعف‌های ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های اسلامی را بررسی می‌کنند. همچنین با شناخت راه‌های تسلط بر آن‌ها، ساخت فیلم‌های خاصی را به فیلم‌سازان سفارش می‌دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور مراقبت کنند. (خامنه ای، ۱۳۸۳: ۲۲ خرداد)

۱۰) **بهبود روابط بین‌الملل:** ارتباطات بین جوامع در دنیای کنونی بسیار پیچیده شده است و جوامع به ناچار با یکدیگر دارند. علت این موضوع این است که جمعیت جهان و نوع نیازهای بشری دچار تغییرات اساسی شده است. در تمدن‌های گذشته به علت محدودیت جمعیت و نیازهای آنان، اگر تمدنی

به هر دلیلی با سایر تمدن‌ها ارتباط نداشت، شاید دچار اختلال‌های شدید در میان جامعه نمی‌شد، زیرا ارتباط جوامع با یکدیگر کم و در حد معاملات پایاپای بود اما در دنیای کنونی وضعیت برعکس شده و میزان ارتباط جوامع با یکدیگر بسیار افزایش یافته است و بسیاری از صاحبان قدرت از این طریق بر سایر ملت‌ها تأثیر می‌گذارند. برای مثال، در صنعت نفت که موضوعی جهانی است، منافع همه کشورها آنچنان درهم‌تنیده شده است که با کوچک‌ترین اتفاقی در جهان، بازار آن دچار نوسان می‌شود. بر این اساس، در تمدن نوین اسلامی به دو دلیل به روابط با سایر تمدن‌ها نیاز است: موضوع اول همان بحث رفع نیازهای افراد جامعه است؛ زیرا ممکن است در تمدن اسلامی کالایی به اندازه رفع نیاز داخلی وجود نداشته باشد و از طریق این رابطه، به جبران آن کمبود پرداخت ولی موضوع دوم که از طریق روابط بین‌الملل باید آن را مورد توجه قرار داد، موضوع انتقال مبانی نظری انسان‌ساز و جامعه‌ساز اسلام است تا بدین وسیله مقدمه ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. همان ذخیره الهی که تمدن نوین اسلامی را تا درجه‌ای بالا می‌برد. مقام معظم رهبری با تأسی بر مبانی فکری و معرفتی امام خمینی (ره) بر دیپلماسی بین‌المللی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. ایشان از جهانی بودن مکتب سیاسی امام خمینی (ره) یاد می‌کنند که به دنبال صادر نمودن استقلال و عزت انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها بود. به اعتقاد ایشان، نوع صدور پیام مکتب اسلام توسط امام (ره) به بشریت با آنچه آمریکا و سایرین با زور و توسل به بمب اتم به دنبال آن هستند، بسیار تفاوت دارد. در مکتب سیاسی، امام فکر درست و سخن جدید خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند. معظم‌له، حرکت‌های پدید آمده در فلسطین و سایر کشورها را تحت تأثیر پیام جهانی انقلاب اسلامی ایران می‌داند که توسط بنیانگذار انقلاب در پیکره تاریخ تنیده شده است. به همین جهت موضوع فلسطین در اندیشه ایشان، موضوعی شخصی بین فلسطین و اسرائیل نیست، بلکه به همه مسلمانان مربوط می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۸ خرداد)

مفهوم دیپلماسی عمومی

تا آنجا که بررسی متون و گزارش‌های نشریات معتبر جهانی در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد، نیمه دوم قرن نوزدهم را می‌توان بستر ظهور واژه دیپلماسی عمومی در ادبیات رسمی در جهان و نیمه دوم قرن بیستم را دوره ورود و تثبیت این واژه در عرصه علمی و تخصصی روابط بین‌الملل عنوان کرد. (Cull،

(2008: 19-21) بسیاری به اشتباه دیپلماسی عمومی را نظریه، در نظر می گیرند در صورتی که دیپلماسی عمومی بیشتر روش است تا نظریه. میان قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، ارتباطی قوی وجود دارد و در حقیقت دیپلماسی عمومی از منابع و امکانات قدرت نرم بهره می برد. در معنایی گسترده، دیپلماسی عمومی نگاه ویژه ای به سیاست خارجی دولتها داشته تا با هم پیمانان خود همکاری و با دشمنان خود بدون درگیری به حل مشکلات سیاسی بپردازد. (Griffiths and O Callaghan, 2002: 79)

در دیپلماسی سنتی به تعبیر «مک کلن»^۱ تعامل بین کشور با کشور دیگر یا تعامل حکومت با حکومت صورت می گیرد و تمرکز مسئولان سیاست خارجی بر یک موضوع خاص می باشد در صورتی که به نظر «گولین»^۲ که می گوید: دیپلماسی عمومی اولویت را به منافع ملی و ملل خارج از کشور می دهد لذا کلیه امور مربوط به بورسیه دانشجویها، جشنواره های رسانه ای، کنسرت ها، توریست ورزشی و... همگی در قلمرو دیپلماسی عمومی قرار می گیرند. (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۰) برای روشن شدن ماهیت دیپلماسی عمومی بهتر است به تفاوت های اصلی آن با دیپلماسی رسمی اشاره کنیم. سه تفاوت اساسی دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی را می توان به شرح زیر بیان کرد. نخست اینکه دیپلماسی عمومی فرآیندی شفاف است و به طور گسترده قابل انتشار است اما دیپلماسی رسمی فرآیندی غیر شفاف به شمار می رود که امور آن گاه منتشر می شوند. دومین تفاوت این است که دیپلماسی عمومی از سوی یک دولت بر طیف وسیعی از مخاطبان عمومی اجرا می شود در صورتی که دیپلماسی رسمی در میان دولت ها در جریان است. سومین تفاوت این است که، طرح ها و مسایل دیپلماسی رسمی، به رفتارها و سیاست های دولت ها مرتبط و متوجه است؛ اما طرح ها و مسایل دیپلماسی عمومی به رفتار و نگرش عموم افراد در یک جامعه هدف متوجه و مرتبط است. (Wolf Jr and Rosen, 2004: 4)

مورگنتا^۳ نیز دیپلماسی را شامل ارتباطات هماهنگی می داند که در جنگ قدرت بین دولتها اتفاق می افتد. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۴) که در همین راستا، مقام معظم رهبری «دیپلماسی را یک جنگ تمام عیار دانسته» که در آن، طرفین دعوا تمام تلاش خود را از طریق مذاکره و حتی زور می کنند تا منافع خویش

1. George B. McClellan

2. Steve Golin

3. Hans Morgenthau

را تأمین نمایند (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۱۵) در چنین جنگی، هر بازیگری می کوشد تا حدامکان منافع خود را از طریق مسامحه، مذاکره و حتی تهدید به استفاده از زور تأمین نماید. در ساز و کار دیپلماسی عمومی، هدف غایی عموم مردم هستند و باید سیاست های یک دولت خارجی برای مردم کشور دیگر روشن و شفاف گردد. در دیپلماسی عمومی نگاه عمده به اثر گذاری بر اذهان عمومی مردم معطوف است و در نقطه پایانی دولت های آنها مد نظر می باشند. (پورحسن، ۱۳۹۰: ۱۴۱) بنابراین، دیپلماسی عمومی در پی این مهم است که با روش های مناسب ارتباطی به مدیریت مثبت سازی چهره یک کشور برای افکار عمومی دیگر کشورها پردازد؛ به شکلی که پیروزی های خود را در عرصه های مختلف از طریق تبلیغات پر رنگ جلوه داده و شکست های خود را پنهان نماید و نظر دیگران را نسبت به سیاست های خود در نظام بین المللی جلب نماید. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳) دیپلماسی عمومی جایگاه مهمی در عصر ارتباطات کنونی پیدا کرده است. از نظر جوزف نای^۱، دیپلماسی عمومی به معنی برقراری ارتباط مناسب با ملتهاست به علاوه حکومت ها. بنابراین، زمانی قدرت نرم موفق است که دیپلماسی عمومی اثربخش باشد. به بیان دیگر، زمانی اثربخشی دیپلماسی عمومی در شکل دهی قدرت نرم مشخص می شود که به افزایش جذابیت کشور مد نظر در میان ملل مختلف بیانجامد. (Nye, 2003: 62) به تعبیر جوزف نای دیپلماسی عمومی یکی از مهم ترین جاذبان قدرت نرم می باشد. (یبکی، ۱۳۸۹: ۶۲)

دیپلماسی عمومی در اندیشه مقام معظم رهبری

به طور کلی نگاه ایشان به نظام بین المللی کاملاً واقع بینانه می باشد؛ «در جهانی که قانون جنگل حکمرانی می کند هرکس باید به دنبال منفعت خود باشد.» (خامنه ای، ۱۳۸۲: ۴ دی) چنین تعریفی، نگاه مخاطب را به سمت فرآیندی واقع گرا و منطقی و توأم با برد و باخت سوق می دهد. در این راستا ایشان می فرماید: «دیپلماسی عمومی نوعی از جنگ نرم است.» (خامنه ای، ۱۳۶۸: ۳۱ مرداد) در نگاه واقع گرایانه ایشان این ارزشها و آرمان ها هستند که به تولید کننده قدرت معنوی می پردازند: «این قدرت معنوی و اعتقاد به ذات اله است که ما را متمایز می کند از دیگر ملتها و حکومتها.» (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۱۶) در همین ارتباط بیان می شود که «آنچه که منجر به افزایش اقتدار ملی انقلاب اسلامی می شود سلاح و قدرت معنوی است نه سلاح گرم و راز مانایی این انقلاب در این قدرت معنوی نهفته

^۱ Joseph Nye

است.» (خامنه ای، ۱۳۸۷: ۲۸ مهر) بنابراین، می توان دریافت که اهمیت قدرت نرم از نوع معنوی برای ایشان واضح و مبرهن بوده و تأکید می کنند که دشمن با تبلیغات به جنگ علیه این نظام آمده و دنیا را تسخیر کرده است.» (خامنه ای، ۱۳۸۱: ۲۸ بهمن) در چنین جنگی، فرهنگ از اولویت بالایی برخوردار است و همه نهادها را در اهتمام به این امر بسیج نموده و فرآیند روشنگری برای سایر ملتها را توسط دستگاه دیپلماسی عمومی کشور از اوجب واجبات می دانند. به طوریکه در دیدار رئیس جمهور و هیأت دولت، می فرماید: «تمام تلاش دستگاه دیپلماسی عمومی این باشد که به مردم جهان بفهماند که سعادت تنها هدف این ملت است که با خوداتکایی و خودکفایی و اراده خود به دنبال رسیدن به آن هستند.» (خامنه ای، ۱۳۷۷: ۲ شهریور) در نتیجه، می توان اذعان کرد که مهمترین ابزاری که در این روشنگری برای سایر کشورها بهترین اثربخشی را دارد، دیپلماسی عمومی است.

سوالی در اینجا مطرح می شود که استراتژی انقلاب اسلامی در بکارگیری دیپلماسی عمومی در مقابل تمدن غرب چگونه باید باشد؟

جواب های متفاوتی به این پرسش داده شده است و رویکردهای مختلفی شکل گرفته است از جمله:

رویکرد اول این است که ما باید به طور کلی از این تمدن تبری بجوئیم و سعی کنیم به هیچ وجه آلوده به آن نشویم و در انزوای کامل به سر ببریم، یعنی دیپلماسی عمومی فعال بدون در نظر گرفتن دیپلماسی عمومی تمدن غرب مد نظر قرار گیرد. این مدل، طبیعتاً نمی تواند یک نسخه کامل باشد و نمی توان به پیشرفت های تمدن غرب توجهی نکرد.

رویکرد دوم این است که تمدن غرب کلا پدیده خیلی خوبی است و ما باید آن را بپذیریم و خودمان را با آن تطبیق دهیم. این پاسخ روشنفکرهای سکولار است که تمامیت اندیشه غربی را قبول کرده اند و معتقد به تمدن غرب با همه لایه های آن هستند. در این رویکرد، برای دیپلماسی عمومی نقشی قائل نشده چون ما رویکرد تقابلی نداریم.

در رویکرد سوم که به اسلامی کردن مدرنیته تعبیر می شود به این نکته اذعان دارد که لایه ای از مدرنیته باید تغییر کند یعنی معنویت و اخلاق احیاء و به دنیای مدرن، ضمیمه شود تا جامعه اسلامی احیاء

شود. در این رویکرد، دیپلماسی عمومی جامعه اسلامی با دیپلماسی عمومی جامعه غربی در ارتباط و تبادل هستند و مواضع همدیگر را رد یا ابطال نمی کنند.

رویکرد چهارم، رویکرد تمدن نوین اسلامی است. در واقع آرمان ما در عصر ظهور است لذا تمدن سازی اسلامی باید قبل از ظهور انجام شود. براساس نظر رهبری، ابتدا باید انقلابی مبتنی بر ارزش ها و تحقق ارزش ها شکل بگیرد. اینجا است که برخورد ما با جامعه جهانی شروع می شود که این درگیری همه جانبه است و البته، در متن این درگیری باید به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کرد. در این فضا است که نقش دیپلماسی عمومی بسیار حائز اهمیت بوده که از طریق روش استحاله با تمدن مدرن غرب مواجه شده و تلاش ما در این راستا به سمت منحل کردن تمدن مدرن غرب در تمدن نوین اسلامی صورت می گیرد.

جایگاه دیپلماسی عمومی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی

همان طور که مقام معظم رهبری بیان نمودند، در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی پنج گام مهم باید برداشته شود: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و حکومت یا تمدن اسلامی. در این راستا دیپلماسی عمومی در چهار بعد مورد توجه قرار می گیرد: اهداف، مخاطبان، ابزارها و تألیف قلوب:

الف- صدور انقلاب مهمترین هدف دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی: تمدن نوین اسلامی محقق نمی شود جز با صدور آرمان ها و ارزش های انقلاب برای مردم کشورهای مسلمان که زیر بار سلطه بیگانگان قرار دارند. شکل گیری یک تمدن بزرگ اسلامی جز با از بین رفتن سیطره استعمارگران و استثمارگران غربی بر بلاد اسلامی ناممکن است. پس شناخت کامل مردم از بنیان های شکل گیری انقلاب اسلامی منجر به این امر می گردد که مسلمانان بلاد اسلامی خود را از ارکان مهم یک تمدن نوین اسلامی دانسته و در جهت شکل گیری آن دست به مبارزه علیه جبهه استکبار زده و با وحدت با دیگر امت های مسلمان سازمان دهی یک تمدن نوین اسلامی را تسهیل بخشند.

سابقه بکارگیری دیپلماسی عمومی در کشور ایران مربوط به سال های اول انقلاب می باشد. که بر اساس آن، جمهوری اسلامی ایران متناسب با منافع داخلی و خارجی خود در ارتباط با دیگر کشورها، از این

ابزار سیاست خارجی بهره برده است. دیپلماسی عمومی با اصل صدور انقلاب ارتباط تنگاتنگی داشته و حتی از دیپلماسی عمومی تعبیر به صدور انقلاب هم شده است. مقام معظم رهبری صدور مبانی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران گه متکی بر ارزش های انسانی است را جزء افتخارات نظام دانسته و آن را راه پیامبران تلقی نموده و این سوال را همیشه مطرح می کند که ما چرا از صدور ارزشهای انقلاب باید بترسیم و خجالت بکشیم؟ چرا نباید به ملت های دیگر کشورها این باور که در مقابل ظلم و جور باید ایستاد را القا نماییم؟ چرا تجربه خود را در اختیار دیگران نگذاریم؟ اگر ما در صدور ارزشها و آرمان های انقلاب که همان مبارزه با استکبار است کوتاهی کنیم به تکلیف خود عمل نکرده ایم (خامنه ای، ۱۳۶۸: ۱۹ تیر)

ب- مخاطبان دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی: شناخت دقیق مخاطبان در برنامه ریزی برای تشکیل و تحقق تمدن نوین اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است. برای فهم عقاید و اصول دیگر کشورها باید به شناخت صحیحی از شرایط مخاطبان برسیم. (یزدان فام، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۴) و از سویی، شناخت مخاطبانی که ما را در رسیدن به اهداف مان مؤثر هست از اهمیت بالایی برخوردار است. (یزدان فام، ۱۳۹۳: ۵۸)

اگرچه از نظر اندیشمندان، تأثیرگذاری بر اندیشه و تفکر روشنفکران دیگر کشورها برای ترویج اهداف کشور مبدأ از اهمیت بالایی برخوردار است، اما در بحث تمدن نوین اسلامی چون صحبت از اسلام است مخاطبان از اولویت دیگری برخوردارند. ماهیت اسلامی انقلاب ایران منجر شده تا رهبری نگاه ویژه ای به ملت مسلمان داشته باشند. معظم له می فرمایند: «پیروزی انقلاب اسلامی نه فقط پیروزی بر ظلم و استکبار بود بلکه چراغ روشنی در پیش روی دیگر ملت های مسلمان قرار داده تا مسیر انقلاب ایران را طی نموده تا استقلال دست یابند.» (خامنه ای، ۱۳۸۹: ۳ آبان) از طرفی ایشان علاوه بر مسلمانان جهان به شکل عام، به جوانان کشورهای به طور خاص مورد خطاب قرار داده و آنها را موتور محرک و پیش برنده حکومت های اسلامی دانسته و به آینده انقلاب که به دست آنها به افق های روشنی دست پیدا می کند، امید وار است. (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۱۰ بهمن)

از سوی دیگر، رهبری به جوانان مسلمان اکتفا ننموده و در نامه ای جوانان حقیقت جوی اروپا و آمریکای لاتین را مورد خطاب خود قرار داده و آن ها را در شناخت اسلام ناب محمدی و فرهنگ رهایی از زیر

بار سلطه حکومت های فاسد خود ترغیب نموده و در این زمینه فرموده اند: «مخاطب من شما جوان ها هستید؛ آینده کشور در دستان شماست و این احساس حقیقت طلبی در وجود شما بسیار با ارزش است.» (خامنه ای، ۱۳۹۳: ۱ بهمن) خامنه ای در واقع رهبر انقلاب تأکید می کند که مسلمانان و به ویژه جوانان آن ها مهمترین مخاطب در امر دیپلماسی عمومی می باشند چرا که آگاهی آنها از ماهیت اصلی یک تمدن نوین اسلامی، کمک شایانی در آگاهی عموم مردم و آماده سازی افکار آنها در این امر مهم می کند.

ج- رسانه، هنر و سینما ابزار دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی: در تحقق تمدن نوین اسلامی از طریق دیپلماسی عمومی می بایست به یک شبکه گسترده اجتماعی برسیم. تحولات اخیر در عرصه های مختلف فناوری اطلاعات منجر به شکل گیری نوع جدیدی از دیپلماسی با عنوان دیجیتال دیپلماسی شده است که با توجه به نقش مهم رسانه ها می توان آن را دیپلماسی رسانه ای عام نامید. (دهقانی فیروز آبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۸۰) بایشرفت در عرصه ارتباطات و اطلاعات در واقع در دوران گذر از ارتباطات عصر مدرن به پسامدرن قرار داریم. در سالهای اخیر اهمیت توجه به شناخت و درک از خود تبدیل شده به شناخت و درک دیگران نسبت خویش.

مردم که به دنبال کسب اطلاعات هستند مخاطبان عمده این رویکرد هستند. این راهبرد، به دنبال بیان اثر گذاری رسانه ها بر روابط سیاسی دولتهاست. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۵) کسب وجه و افزایش اعتبار سیاسی در سطح جهانی از اهداف اصلی رسانه ها می باشد. رسانه ها می توانند نقش مهمی در ایجاد یک تصویر مثبت از یک تمدن نوین اسلامی ایجاد کنند. در این راستا، رهبر انقلاب، رسانه ها شامل شبکه های مجازی، اینترنت، رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجلات و... را به عنوان ارکان قدرت نرم دانسته که حتی برد و توانایی آنها از موشک هم بیشتر می دانند. (خامنه ای، ۱۳۸۳: ۲۸ اردیبهشت) و نیز «تبلیغات را در عرصه های داخلی و خارجی جزء قدرتمند ترین ابزارها برای مقابله با دشمنان بر می شمردند» (خامنه ای، ۱۳۸۸: ۲ مهر)

هنر به عنوان زبان بین المللی، بهترین راه برای اعمال دیپلماسی عمومی و تبیین مفاهیم اسلامی است؛ چرا که نسبت به ابزارهای دیگر از تأثیر گذاری بیشتری برخوردار است. استفاده از ظرفیت های هنری

برای ارتباط با دیگر ملت‌ها و تأثیرگذاری بر افکار و عقاید دیگران در طول تاریخ همواره مورد استفاده مبلغان مکاتب و فرهنگ‌ها قرار گرفته است. هنر اسلامی با توجه به شناخته شدن به عنوان زبان بین‌المللی و برخورداری از ظرفیت تأثیرگذاری بر افکار، آراء، اندیشه‌ها و عقاید دیگر ملت‌ها، موجبات ارتقای ارتباطات میان فرهنگی و اجرای موفق دیپلماسی فرهنگی و تبیین مفاهیم اسلامی را فراهم می‌آورد. هنر اسلامی با توجه به برخورداری از ویژگی‌هایی چون جذابیت، تفکر برانگیزی، ماندگاری و قابل فهم بودن برای همگان و اثرگذاری بر درک و ذهنیت سایر ملت‌ها می‌تواند در دو عرصه مفهوم سازی و تصویر سازی موجب کارآمدی دیپلماسی فرهنگی و عمومی گردد. دیپلماسی هنری و تأثیرگذاری از راه فعالیت‌های هنری، قوی‌ترین شکل دیپلماسی عمومی و فرهنگی به شمار می‌رود. دیپلماسی هنری به معنای یافتن چگونگی استفاده از هنر، به ویژه موسیقی، هنرهای زیبا و ادبیات، ورزش، غذا، علوم، دین و سیاست، از طرف دولت‌ها، تجارت‌ها و دانشگاه‌ها به صورت عملی و مؤثر برای برقراری ارتباط و بیان عقاید است. با توجه به این که هنر، فی نفسه دارای امتیازات و ویژگی‌هایی از جمله جذابیت، تفکر برانگیز بودن، ماندگاری، قابل فهم بودن زبان هنر برای همگان است لذا استفاده از دیپلماسی هنری برای برقرار ارتباط میان ملت‌ها و تأثیرگذاری بر آن‌ها، از جمله مهم‌ترین ابزارها محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری در بیان اهمیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ضرورت توجه و اهتمام جدی به این امر می‌فرماید: «سفیران فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خط مقدم جبهه فرهنگی در عرصه بین‌المللی هستند. ارائه تصویر درست و واقعی از نظام جمهوری اسلامی و واقعیت‌ها و پیشرفت‌های ایران امروز، در کنار ترویج زبان و ادبیات فارسی از جمله وظایف سنگین سفیران فرهنگی نظام اسلامی است.» (خامنه ای، ۱۳۸۸: ۱۱ اسفند)

بنابراین هنر، قدرت نفوذ زیادی در بین ملت‌ها خواهد داشت و بر این اساس، مقام معظم رهبری در موضوع جنگ نرم و هنر می‌فرماید: «هنر می‌تواند باعث غنی در محتوای قدرت نرم شده و برد تأثیر گذاری بر ذهن و فکر مخاطب را بیشتر می‌کند» (خامنه ای، ۱۳۸۸: ۱۴ شهریور)

یکی دیگر از ابزارهای دیپلماسی عمومی در معرفی تمدن نوین اسلامی سینما می‌باشد که رهبری در این مورد می‌فرماید: «هنر سینما... بلاشک يك هنر برتر است؛ يك روايت گر كاملاً مسلط - كه هيچ روايت گري تا كنون در بين اين شيوه‌هاي هنري روايت يك واقعيت و يك حقيقت، تا امروز به اين

کارآمدی نیامده - و یک هنر پیچیده و پیشرفته و متعالی» (خامنه ای، ۱۳۸۵: ۲۳ خرداد) یا در جای دیگر می فرماید: «حقایق معنوی با هیچ یک از مفاهیم مادی قابل مقایسه نیست. ارزش های اسلامی برترین حقایقی است که می تواند انسان را مجذوب و در مقابل خود خاضع کند و بر این اساس از سینماگران و کارگردانان فیلم، انتظار می رود با کار خود، مفاهیم مذهبی و ارزش های دینی را به گونه ای به تصویر بکشند که در نظر بیننده، جذاب تر و دلنشین تر جلوه کند.» (خامنه ای، ۱۳۷۳: ۳ بهمن) همچنین معظم له در مورد سینما و هنر می فرماید: «امروزه هنر سینما یکی از ابزار های قدرتمند استکبار در حوزه قدرت نرم است که از طریق آن بر افکار عمومی تأثیر می گذارد.» (خامنه ای، ۱۳۸۶: ۲۵ اردیبهشت)

د- تألیف قلوب در دیپلماسی عمومی و تمدن نوین اسلامی: «تألیف قلوب» مفهومی است برگرفته از یک فرع فقهی در بحث اصناف مستحق زکات در فقه اسلامی که ریشه قرآنی دارد. تألیف قلوب کار ویژه دلجویی از برخی مشرکان و یا منافقان و حتی گروه های خاص از مسلمانان است که به منظور جلب همکاری سیاسی آنان با نظام و امت اسلامی و یا دست کم برای جلوگیری از برخی توطئه ها و تهدیدات علیه امت و نظام اسلامی و یا جهت دعوتشان به اسلام به کار گرفته می شود. یکی از راهبردهای اساسی اقتدار سیاسی در اسلام، ایجاد پیوند معنوی مراد و مریدی و الفت بین شهریان و شهروندان است که منجر به تقویت قدرت نرم و افزایش نفوذ در حوزه دیپلماسی عمومی می گردد. از این رو، نقش اساسی تألیف قلوب در ایجاد و تقویت قدرت نرم نظام اسلامی و توسعه حوزه های نفوذ آن در پهنه «سیاست داخلی» و «سیاست خارجی» در هر عصر و زمان، قابل اثبات و اعتماد است که می توان به عنوان یک الگوی راهبردی اقدام سیاسی ملایم و قدرت نرم به آن نگریست. در واقع، یکی از مهم ترین ابزارهایی که در چارچوب مفهوم قدرت نرم قرار گرفته و براساس آموزهای قرآنی و فقهی در اختیار حکومت اسلامی است، اصل تألیف قلوب است که می تواند نقش مهمی در تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران که همانا گسترش تفکرات اسلامی و بسط اندیشه انقلاب اسلامی در قالب تمدن نوین اسلامی است، داشته باشد. بهره گیری از این قاعده در جهت جذب قلوب و متمایل ساختن انسان ها به اسلام از وظایف حکومت اسلامی است.

نتیجه گیری

با توجه به رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی با تمدن غرب و با عنایت به مراحل پنج گانه رسیدن به تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، دیپلماسی عمومی ابزاری است که در مسیر این تقابل به دنبال منحل کردن تصویر غیر واقعی مثبت به غرب در تصویر واقعی مثبت تمدن نوین اسلامی بوده و از طریق معرفی انقلاب اسلامی بوسیله ابزارهای رسانه ای برای مخاطبان خاص بویژه مسلمان به دنبال به دست آوردن قلوب و افکار عمومی مردم جهان می باشد. در این راستا شناخت راهبردها، مخاطبین، ابزارهای دیپلماسی عمومی برای دستگاه سیاست خارجه جمهوری اسلامی در جهت تأثیر گذاری بر افکار عمومی ملل مختلف بسیار ضروری می باشد. اگرچه تا امروز در بحث دیپلماسی عمومی فراز و فرودهایی داشته ایم اما با شروع گام دوم انقلاب اسلامی و با پشتوانه ی رهبری مقام معظم رهبری و رهنمودهای ایشان دستگاه سیاست خارجه همواره باید به دنبال شناخت عرصه های گوناگون دیپلماسی عمومی بوده تا توانایی لازم برای مقابله با جنگ نرم دشمنان این انقلاب به ویژه آمریکا و اسرائیل را کسب نماید.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمی، تهران، انتشارات پیراسته.

احدی، افسانه (۱۳۸۸). "برنامه هسته ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی"، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱.

اکبری، مرتضی (۱۳۹۰). درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران، ایلام، جوهر حیات.

بابایی، حبیب اله (۱۳۹۰). تمدن و تجدد، قم، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۹۸۱). صحیح بخاری، ترکیه، انتشارات معاصر، ج ۱.

بیکی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

پورحسن، ناصر (۱۳۹۰). "دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه جانبه"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳.

پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، انتشارات بوستان کتاب.

حرّانی، شیخ ابو محمد (۱۳۸۷). تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی.

خامنه ای، سیدعلی (آیت الله = رهبر انقلاب) (سال های مختلف) سخنرانی های متعدد.

جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات نشر معارف.

جوادی ارجمند، محمدجعفر و اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۱). "جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط عمومی ایران و کشورهای فارسی زبان"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳، پائیز، ص ۹۷-۱۱۳.

خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۶ و ۱۰.

دهقانی فیروز آبادی، سید جلال و فیروز، علیرضا (۱۳۹۱). "دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول گرایی"، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، تابستان، شماره

درخشه، جلال و غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). "دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت ها، اقدامات، اولویت ها و دستاوردها"، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۱۶.

دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی، قم، انتشارات معارف.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). کارنامه اسلام، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳ و ۱۴.

فیض کاشانی، محمدحسن بن الشاه مرتضی (۱۳۶۱). کتاب العلم (ارزش دانش و دانشمند در اسلام)، ترجمه اسدالله ناصح، بی نا.

کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (بی تا)، اصول کافی، جلد ۱ و ۲، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: حیدری.

مجلسی، علامه محمد باقر (بی تا). بحار الانوار، ترجمه علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران، انتشارات فقیه، ج ۱.

مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۳). درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم، انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.

یزدان فام، محمود (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Cull, N. J. 2008. Public Diplomacy before Gullion , Routledge Handbook of Public Diplomacy. Nancy Snow and Phillip M. Taylor. London: Taylor & Francis.

Wolf Jr, C., Rosen, B. 2004. Public Diplomacy: How to Think about and Improve It, DTIC Document by RAND Corporation.

Griffiths, Martin and O Callaghan, Terry (2002). International Relations :the Key Concepts , London and New York: Routledge.

Nye , joseph (2003). Soft Power and American Foreign Policy- Jstor.